

استقبال از شعر حضرت مولانا با مطلع:
ای عاشقان ای عاشقان، پیمانہ را گم کرده ام

راه وطن گم کرده ام

ای دوستان ای دوستان، کاشانه ام گم کرده ام
دور از وطن در غربتم، مستانه ام گم کرده ام
مرغ شکسته پر شدم، آواره بی یاور شدم
از ظلم بی دینان دون، راه وطن گم کرده ام
از وضع بد در خاک خود، کردم فرار از خاک خود
دائم به فکر هم وطن، هم کشورم گم کرده ام
آه دلم سوزان بشد، خون از دلم فوران بشد
آخر کجا شد خاک من، خاک و وطن گم کرده ام
از حال زار میهنم، از بسکه سرگردان شدم
جانم رسیده بر لبم، جانانه ام گم کرده ام
از زندگی در این جهان، مأیوس و دل سرد گشته ام
جانم ز تن بیزار شده، گل خانه ام گم کرده ام
دیدم برویا میهنم، صدها هزار بیچاره را
بودند پی یک لقمه نان، نان از وطن گم کرده ام
آخر تو تا کی حیدری؟ داد وطن سرمی کنی
کن عرض خود بر خالقت، کاشانه ام گم کرده ام

پوهنوال داکتر اسدالله حیدری

۲۰۲۲، ۹، ۱۴، سدنی